

کردستان

دکتر مصطفی چمران

حادثة قارنه

قضیه قارنه چیست؟ روزگاری که حادثه قارنه اتفاق می‌افتد من اصولاً در پاره بودم و از آن خبری نداشتم، بنابراین جریاناتی را که برای شما شرح می‌دهم نتیجه تحقیقاتی است که بعداً کمیته تحقیقات برای ما روشن کرد قارنه دهی است کوچک بین نغده و جلدیان، روستایی کردنشین که حزب دمکرات و یا احزاب چپ در آن قدرت داشتند و نغده شهری است ترک‌نشین در جلدیان و اشنویه و پیرانشهر پادگان‌ها و پاسگاه‌های ارتش و ژاندارمری وجود دارد، و عده‌ای از جوانمردان ترک ژاندارم‌ها و ارتشی‌ها برای رفتن به سر کار خود باید از راه نغده به جلدیان عبور کنند، و در این راه از روستای قارنه باید گذر نمایند اما در مدت شش‌ماه عوامل مزدور همیشه و همیشه در اطراف قارنه کمین کرده‌اند و رهگذران را می‌گرفتند و می‌کشیدند و غارت می‌کردند و سر می‌بردند حتی کار بجایی رسیده بود هنگامی که کسی می‌خواست از نغده به جلدیان برود، مجبور بود که در پناه یک تانک در جلو و یک تانک در عقب حرکت کند تا در اطراف قارنه مورد کمین قرار نگیرد به مدت شش‌ماه این حمله‌ها و هجوم‌ها در اطراف قارنه علیه ترک‌ها و سربازان و ژاندارم‌ها در خط نغده به جلدیان صورت می‌گیرد آخر بار هنگامی که هجده نفر از ترک‌های نغده از جلدیان برمی‌گشتند و به مرخصی می‌رفتند، در نزدیکی‌های قارنه بر آنها کمین می‌شود و هر هجده نفر را می‌کشند آنها را می‌کشند و سر آنها را می‌برند و بدنشان را قطعه‌قطعه می‌کنند و در وسط جاده می‌اندازند فقط یکی از آنها جان سالم بدر می‌برد، و خود را به نغده می‌رساند و از جنایتی که گذشته است مردم را آگاه می‌کند زن و بچه کوچک و بزرگ از شهر نغده به طرف قتلگاه سرازیر می‌شوند هنگامی که برادران و شوهران و بستگان خود را قطعه‌قطعه می‌بینند تحریک می‌شوند، شیون و داد و فریاد بلند می‌شود این داغدیدگان ترک عده‌ای به نغده می‌روند و عده‌ای به جلدیان و پیرانشهر، و اقوام خود را خبر می‌کنند که چنین جنایتی درگرفته است اطرافیان و کسان این

کشته‌شدگان بی‌گناه جمع می‌شوند، و به قارنه حمله می‌کنند و سی‌وسه نفر را در قارنه می‌کشند، و بدین ترتیب انتقام می‌گیرند

من می‌خواهم برای شما موضع خود را و موضع دولت را بگویم، ما با کشتاری که در قارنه اتفاق افتاده است مخالفت می‌کنیم و کسانی را که به قارنه حمله کرده‌اند و مردم را کشتند مجرم می‌دانیم اما در عین حال معتقدیم آن کسانی که هجده نفر ترک را مدتی قبل از این جنایت در بیرون شهر در وسط جاده کشتند، آنها هم مجرمند، آنها هم باید به محکمه سپرده شوند. ما معتقدیم که حادثه قارنه خودبخود بوجود نیامده است، قضیه‌ای است که مثل حلقات زنجیر یکی پس از دیگری بوجود آمده است، و اگر بخواهیم مجرمین قارنه را بگیریم و محاکمه کنیم باید همه مجرمین را بگیریم و به دست محکمه بسپاریم حتی مجرمینی را که به مهاباد حمله کردند همچنانکه در اول سخن خود بیان کردم بدون آنکه گلوله‌ای از طرف سربازان به سوی آنها شلیک شود، سربازان را و افسران را بی‌گناه کشتند پادگان سنندج را محاصره کردند و عده‌ای را کشتند، پادگان بانه و سردشت را به آتش کشیدند و عده‌ای را کشتند آن مجرمین نیز باید به دست قانون سپرده شوند بنابراین ما معتقدیم که هر کسی که جنایت کرد بایستی محاکمه شود، اما مخالفین ما فقط به حادثه قارنه تکیه می‌کنند، يك قضیه مجزا و ایزوله از تمام قضایای دیگر تمام جنایات خود را فراموش می‌کنند، می‌گویند در این قضیه چون ترک‌ها کرده‌ها را کشته‌اند، بنابراین مجرمین باید تشبیه شوند، اما تمام جنایات‌هایی را که خودشان در همان نطقه انجام دادند، در مهاباد انجام دادند، چند ساعت قبل در همان محل هجده نفر را به خاک و خون کشیده‌اند، آنها را به حساب نمی‌آورند ما معتقدیم که همه را یکجا باید به حساب آورد، نه فقط مردمی را که تهبیح شده‌اند و برای انتقام خون عزیزان خود به قارنه حمله کرده‌اند و سی‌وسه نفر را به این چنین کشته‌اند اما می‌بینید احزاب چپ با تبلیغات شیطنانی خود همه را فراموش می‌کنند، همه را به کنار می‌گذارند و فقط قارنه را در نظر می‌گیرند که باید مجرمین قارنه محاکمه شوند

بلي این است داستان قارنه

مسلح کردن فنودال‌ها در کردستان

در همان روزها که من در پاره و مریوان بودم شخصی بیانیه‌ای منتشر می‌کند و متذکر می‌شود که دکتر چمران و تیسمار ظهیرنژاد فرمانده لشکر ارومیه و سرهنگ شهبازی فرمانده ژاندارمری منطقه، فتودال‌های کرد را مسلح کرده‌اند و جنگ بین فتودال و کشاورز را بوجود آورده‌اند، بنابراین جنگ‌های کردستان نتیجه مسلح کردن این فتودال‌هاست این در روزگاری انتشار پیدا می‌کند که من در مریوان در محاصره بودم و کمونیست‌ها و چریک‌های فدایی خلق و پیکاری‌ها و ضدانقلابی‌ها این نامه را، این اعلامیه را می‌گیرند حدود چهارصدبار در روزنامه‌های مختلف تکرار می‌کنند و در دیوار شهرها را با این اعلامیه پر می‌کنند که مسئول جنگ‌ها و خونریزی‌های کردستان دکتر چمران است، زیرا فتودال‌ها را مسلح کرده است همچنین در یک مناظره تلویزیونی چریک‌های فدایی خلق عین این تهمان را وارد کردند و در مقابل آنها جوابی قاطع و دندان‌شکن داده شد که لااقل یک نمونه بیاورید، یک نمونه نشان دهید که دکتر چمران فتودالی را مسلح کرده باشد، آنگاه حق با شماست آنها می‌دانند که نمی‌توانند نمونه‌ای ارائه دهند حتی دیده‌اید که چندین بار آنها را به مناظره دعوت کرده‌ایم که اگر حرفی دارید، مطلبی دارید، بیائید رودررو بیان کنید اگر این استدلال متین و محکم و شکننده را می‌توانید جواب دهید، این گوی و این میدان، بفرمائید اما می‌ترسند، فقط اعلامیه چاپ می‌کنند و بر در و دیوار خیابان‌ها می‌چسبانند که فلانی فتودالی را مسلح کرده است و نه فقط فتودال‌های کردستان را، حتی فتودال‌های گنبد را، بنابراین مسئول جنگ و خونریزی‌های گنبد هم بشمار می‌رود، درحالی‌که من تاکنون به گنبد نرفته‌ام و آنجا را اصلاً ندیده‌ام و با مسائل آن ارتباطی نداشته‌ام اما اصل مطلب برای شما بگویم اولاً شخصی که چنین اتهامی بر من وارد ساخته هیچگونه ارتباطی با امام امت نداشته و اما فرمودند که این مرد را نمی‌شناسم ثانیاً اگر این اتهام به فرض محال صحیح باشد که جنگ‌های کردستان با ورود من به کردستان مسلح کردن فتودال‌ها بوجود آمده باشد، چرا از ابتدای پیروی انقلاب جنگ و خونریزی در کردستان بوجود آمده است؟ درحالی‌که من شش ماه بعد به کردستان رفتم هنگامی جنگ و خونریزی در کردستان شروع شده است که من اصولاً در لبنان بودم، یعنی هنوز به ایران نیامده بودم اگر ادعای آنها صحیح باشد باید جنگ و خونریزی‌ها شش ماه بعد با ورود من به کردستان شروع شود درحالی‌که هنگامی شروع می‌شود که بیش از چند روز از پیروزی انقلاب نگذشته و من در لبنان بودم و این نشان می‌دهد که اینان دروغ می‌گویند، باطل می‌گویند

بعلاوه قاسم‌لو خود بزرگترین فتودال منطقه است، خانواده او از بزرگترین فتودال‌های منطقه‌اند که خون مردم را به شیشه می‌کنند، چگونه این فتودال‌های معروف می‌خواهند علیه فتودال‌ها بجنگند دقیقاً اینان علیه خلق مستضعف و فقط مسلمانان جنگیده‌اند و می‌جنگند حرفی که در اعلامیه ذکر

شده است اتهام بی‌جایی است که به عمل بی‌طرفانه ژاندارمری ارتباط پیدا می‌کند ژاندارمری برای آنکه پاسگاه‌های خود را در مرز نگاهبانی کند عده‌ای به نام جوانمرد استخدام می‌نمود، برای استخدام سعی می‌کرد که از اهل محل استخدام کند که با مردم محل نیز هماهنگی بیشتری داشته باشد در میان این پاسگاه‌ها که در کنار مرز قرار گرفته‌اند تعدادی از آنها در منطقه عشایری هستند و بنابراین اجباراً برای آنکه ژاندارمری از آن منطقه جوانمرد استخدام کند مجبور است که از آن عشیره یا آن ایل کسانی را استخدام نماید بنابراین از این ایل منگور یا ایل دیگری که در نزدیکی اشنویه زندگی می‌کنند کسانی را استخدام کرده است از ایل منگور شاید نفر جوانمرد استخدام کرده و به آنها اسلحه داده است تا از پاسگاه‌های منطقه خود حفاظت کنند یعنی مثل ژاندارم در داخل پاسگاه‌ها نگاهبانی بدهند و حفاظت نمایند، در اشنویه نیز حدود پنجاه نفر از ایل موجود در اشنویه استخدام کرده است که این عشایر مخالف حزب دمکرات هستند تمام حملات و اتهامات درباره ایل منگور و اشنویه است که عدد آنها به حدود سیصد نفر می‌رسد، ولی همین ژاندارمری در نقاط دیگری که دمکرات‌ها بوده‌اند از دمکرات‌ها استخدام کرده است حدود نفر از کسانی را که بعنوان جوانمرد در پاسگاه‌های مختلف استخدام کرده و به آنها اسلحه داده است از حزب دمکرات بوده‌اند و حتی کارت عضویت حزب دمکرات را داشته‌اند و ژاندارمری می‌خواسته است بی‌نظری و بی‌طرفی خود را به همگان اثبات کند و نشان دهد که برای او همه علی‌السویه هستند و در هر کجا از جوانان همان منطقه استخدام خواهد کرد گرچه این عمل اشتباه بود و این نفری که از حزب دمکرات بودند و از ژاندارمری اسلحه گرفتند، اسلحه را دزدیدند و تحویل حزب دمکرات دادند، و این بزرگترین جنایتی بود که آنها مرتکب شدند ولی به هر حال این قضیه مربوطه به ژاندارمری است و ماهیت موضوع چیز دیگری است و هیچ رابطه‌ای با شخص من ندارند

نگاهی گذرا به آنچه گذشت و نتیجه

دشمنان ما در کردستان آتش جنگ را روشن ساختند، با تکیه به ایدئولوژی ماد بگری و ضدخدایی خود و با اتکا به نیروهای اهریمنی ابرقدرت‌های غرب و شرق سعی کردند که ایدئولوژی اسلام ما را به شکست بکشند آنها انتظار داشتند و انتظار دارند که از نظر فکری و ایدئولوژی بر ما پیروزی یابند و در این راه به چیزهایی تکیه می‌کنند که انقلابیون ما به مراتب از آنها قوی‌تر و تواناترند و من در چند نکته اساسی این اختلافات را برای شما بازگو می‌کنم تا بدانید که حق با کیست

تکیه بر خلق‌ها و توده‌ها

این توطئه‌گران برای اثبات حقانیت خود به مطالبی تکیه می‌کنند که اولین آنها بر خلق‌ها و توده‌ها و ملت‌هاست همانطور که دیده‌اید و در تبلیغات آنها و نوشته‌های آنها و شب‌نامه‌هایشان به چشم می‌خورد همیشه می‌خواهند بگویند که ما طرفدار خلق‌ها و توده‌ها هستیم و دولت، دولت دیکتاتوری و فاشیستی و ظلم و زور است که می‌خواهد خلق‌ها و ملت‌ها و توده‌ها را منکوب کند اما همانطور که می‌دانید در پایه با فرمان تاریخی امام، هزاران نفر از ملت ما به حرکت درآمدند و خود را به سنج و کرمانشاه {باختران} رساندند و نشان دادند که ملت طرفدار کیست توده‌ها و خلق‌ها در کدام جهت حرکت می‌کنند که با حرکت خود اسطوره خلق‌ها و ملت‌ها را که شعار همیشگی آنها بود بکلی از بین بردند

تکیه بر مبارزه ضداستعماری

دوم تکیه بر مبارزه ضداستعماری است، همانطور که می‌دانید انقلابیون دنیا همیشه بر مبارزات ضداستعماری خویش تکیه می‌کنند از فلسطین گذر کنید تا ویتنام، همه‌جا می‌بینید که آنها بر مبارزه ضداستعماری خود افتخار می‌کنند اما در ایران مشاهده می‌کنید که این توطئه‌گران نوکران عراق‌اند، و عراق کثیف‌ترین و خبیث‌ترین دولتی است که در حال حاضر در روزگار ما در خاورمیانه وجود دارد اینان نوکر چنین دولتی هستند و از چنین دولتی پول و اسلحه دریافت می‌کنند و در مقابل با انقلابی به مبارزه برخاسته‌اند که این انقلاب مبارزه ضداستعماری خویش را در سرتاسر دنیا به ثبوت رسانده است بر هیچ‌کس پوشیده نیست که انقلاب مقدس ایران امریکا و دقیق‌تر، هر دو ابرقدرت را به لرزه درانداخته است، و امریکا را عاجز نموده است رهبر بزرگ انقلاب ما دنیا را متحیر و مبهور ساخته است بنابراین از نظر مبارزه ضداستعماری نیز می‌بینید آنها خلع سلاح شده‌اند

تکیه بر ایدئولوژی

سوم تکیه بر ایدئولوژی است. عادتاً انقلابیون دنیا به ایدئولوژی تکیه می‌کنند، و متأسفم که بگویم بزرگترین سازمان‌دهی انقلابی دنیا در گذشته مارکسیست‌ها بوده‌اند که بر ایدئولوژی خویش تکیه می‌کردند، به آن افتخار کرده و برای پیاده کردن آن مجاهدت‌ها نموده‌اند. اما می‌بینیم که ایدئولوژی این توطئه‌گران که عده‌ای بر مارکسیسم تکیه می‌کنند و عده‌ای دیگر بر قومیت، در عصر ما نیز ارتجاعی به حساب می‌آید و در مقابل ایدئولوژی نجات‌بخش اسلام بسیار کوچک و ناچیز است. این دوران و قرنی است که مکتب راستین و انقلابی اسلام اصالت و ارزش و برتری خود را بر ایدئولوژی منحط آنها اثبات کرده است و دنیا نیز این حقیقت را کم‌کم می‌پذیرد.

تکیه بر عدل و انسانیت

چهارم تکیه بر عدل و انسانیت و مبارزه با ظلم و ستم است، همانطور که می‌دانید عادتاً انقلابیون دنیا سعی می‌کنند که از عدل و عدالت طرفداری کنند و با ظلم و ستم درآویزند. ولی می‌بینید اینان کسانی هستند که به زور و تهدید می‌خواهند منطقه را زیر سیطره خویش درآورند. افکار شیطانی خود را به قدرت سلاح بر آنها تحمیل کنند. آنگاه در مقابل می‌بینید که انقلاب ما با چه انسانیتی با آنها رفتار کرده و می‌کند، چگونه جهادسازندگی و جوانان و مهندسین و پزشکان را به آن حوالی می‌فرستند تا برای آنها کارهای عمرانی به راه اندازد. ولی باز می‌بینید که چگونه آنان جوانان بی‌گناه را به خاک و خون می‌کشند یا به زندان می‌اندازند و چه جنایاتی مرتکب می‌شوند.

تکیه بر ملت و وطن پرستی

بیشتر انقلابیون دنیا به خاطر آزاد کردن سرزمین خویش از یوغ استعمار و دشمن خارجی دست به مبارزه می‌زنند، که در سراسر مبارزات انقلابی دنیا این حقیقت بارز به چشم می‌خورد. اما در مورد ایران و کردستان می‌بینید که اینان تجزیه‌طلبند، و به عناوین مختلفه تحت شعارهای گوناگون از خودمختاری و استقلال و تجزیه برخلاف این حقیقت بارز قدم برمی‌دارند، و این پاسداران ما و سربازان ما هستند که برای تمامیت ارضی و استقلال ایران مبارزه می‌کنند، و همیشه طرفدار وحدت و یکپارچگی وطن بوده‌اند، این جنگ‌افروزان برنامه‌ای را پیاده می‌کنند که کیسینجر و مستشرقین و همپالگه‌های شرقی آنها مدت‌ها قبل برای تجزیه و تقسیم این منطقه پیشنهاد داده‌اند.

تکیه بر سلاح علیه دشمن

انقلابیون عادتاً سلاح به دست می‌گیرند تا دشمن خارجی را از وطن خود برانند، اما در این مورد می‌بینیم اینان از عراق، از خبیث‌ترین دشمن ایران سلاح می‌گیرند تا دولت مرکزی خود را سرکوب کنند، تا انقلاب اسلامی ما را بکوبند، تا یک‌چنین دشمن تبهکاری را شادکام نمایند

تکیه بر فداکاری و شهادت

هفتم اصل تکیه بر فداکاری و شهادت است عادتاً انقلابیون دنیا به شهادت و فداکاری تکیه می‌کنند و سلاح آنها شهادت است، و همه‌جا می‌بینید که انتحاریون از خانه و کاشانه خود به سوی دشمن گسیل می‌شوند و جان خویش را سپر بلا می‌کنند تا دشمن را به زانو درآورند در مورد این اصل می‌بینید که این پاسداران و سربازان ما هستند که به حریم شهادت مسلح شده‌اند، اینان هستند که فداکاری می‌کنند، اینان هستند که به استقبال شهادت می‌روند و آنها از مقابل اینان می‌گریزند زیرا که یک‌چنین فداکاری و آمادگی شهادت را در خود نمی‌یابند وای بر وقتی که پاسداری در مقابل آنها قرار گرفته باشد، آنجا می‌دانند که این پاسدار تا آخرین قطره خون خویش می‌جنگد و تسلیم آنها نمی‌شود و آنجاست که می‌بینید حساسیتی شدید علیه پاسداران بوجود می‌آید چون اینان می‌روند و کوه را از سر راه خویش برمی‌دارند در جنگ‌های گذشته‌ای که در چندماه گذشته در کردستان بوقوع پیوست و در عرض روز سرتاسر کردستان به تصرف ما درآمد، زیربنای آن فرمان امام و فداکاری و استقبال شهادتی بود که از طرف سربازان و پاسداران بوقوع می‌پیوست هنگامی که گروهی از سربازان و پاسداران به پیش می‌تاختند آنها می‌دانستند که اینان از مرگ نمی‌هراسند و به استقبال شهادت آمده‌اند و بنابراین هیچ‌چیز راه آنها را سد نخواهد کرد، بنابراین می‌دیدیم با وجود نیروهای زیاد خود از مقابل این گروه می‌گریختند و میدان را خالی می‌کردند

تکیه به رهبری

هشتم تکیه به رهبری است هنگامی که به انقلاب‌های بزرگ دنیا توجه می‌کنید می‌بینید از

نعمت رهبری بزرگ بهره‌مندند از انقلاب فلسطین شروع می‌کنیم که با سرعرفات رهبری آن را به عهده داشت اگر کوبا را در نظر بگیریم کاسترو و چه گوارا فرماندهان و رهبران بزرگ آن به حساب می‌آمدند در ویتنام هوشی مین، پیرمردی که انقلاب آنجا را رهبری کرد و یا در روسیه شوروی لنین رهبر مدبر آن بود و در چین که مائوتسه‌تونگ رهبر بزرگ آن بود که چنین انقلاب بزرگی را رهبری کرده است آنگاه به انقلاب ایران می‌رسیم، انقلاب ایران و رهبر بی‌نظیر آن امام‌خمينی، رهبری که در دنیا بی‌سابقه است، رهبری که اگر تمام رهبران دیگر دنیا را جمع کنید به اندازه يك موی سر این مرد هم نمی‌شوند این است رهبری انقلاب ایران

آنگاه به کردستان بروید و رهبران آنها را در نظر بگیرید که بهترینشان «ضالدین یزیدی» است آدمی است که ساواکی است و اوراق ساواکی بودنش را دانشجویان در تهران و شهرستان‌ها بخش کرده‌اند کسی که به دنبال پول می‌رود و خود را به ثمن بخش می‌فروشد و آلت دست بیگانگان می‌شود

چه مقارنه‌ای بین این رهبر و آن رهبر که جای مقارنه نیست

اینها اصولی است که انقلابیون دنیا بر آن تکیه می‌کنند و خود را انقلابی به حساب می‌آورند، ولی هنگامی که به کردستان رجوع می‌کنید و این عوامل و این پارامترها را در نظر می‌آورید در قیاس با انقلاب ایران صفر است، ناچیز است و اگر کسانی هستند که در گوشه و کنار دنیا می‌خواهند به آنها رنگ انقلابی بدهند سخت در اشتباهند در يك طرف انقلابی عظیم که ابرقدرت‌ها را به لرزه در انداخته است، انقلابی که امریکا را به زانو در آورده است، انقلابی که در سرتاسر خاورمیانه موجی علیه امپریالیزم امریکا ایجاد کرده است، و از طرفی دیگر کسانی ه بازیچه دست عراق و امریکا و سایر دولت‌های بیگانه‌اند، کسانی که برنامه‌های استعمار و صهیونیسم را پیاده می‌کنند این کجا و آن کجا به راستی اگر کسی بخواهد مقارنه و مقایسه‌ای بعمل بیاورد جای شرم و ننگ خواهد بود راستی کیست که جای پای صهیونیسم و امپریالیزم را در کردستان پیدا کنند؟ مگر ممکن است که استعمارگران این همه شکست و سرشکستگی را تحمل کنند؟ مگر ممکن است که به سادگی همه منافع و مصالح خویش را از دست بدهند، و از توطئه دست بردارند؟ کیست که نفهمد که اغتشاش‌های کردستان فقط به نفع صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها است؟ کیست که نفهمد همه این توطئه‌ها برای اسقاط نظام انقلابی ایران بوجود آمده است؟ کیست که نداند که این احزاب چپ‌نما آلت دست استعمارگرانند؟ هنگامیکه در مقابل این حقیقت تلخ قرار می‌گیریم که عده‌ای شعبده‌باز و آلت دست بیگانه می‌خواهند بر کردستان سیطره پیدا کند و دست به اعمالی می‌زنند که هر انسان منصفی را از شدت ناراحتی به لرزه در می‌اندازد

نتیجه

تبلیغات دشمن فریاد می‌زند که ارتش طاغوتی است، دولت فاشیستی است و ارتش آمده است که برادران کرد را به خاک و خون باندازد اما می‌خواهم به يك حقیقت تاریخی توجه کنید و آن این است که مدت شش‌ماه ارتش در کردستان حضور نداشت، مدت شش‌ماه ارتش از پادگان‌هایش بیرون نیامده و اصولاً سپاه پاسدارانی در منطقه نبود و این آنها بودند که به شهرها و ده‌ها و پاسگاه‌ها و پلیس و ژاندارمری و پادگان‌ها حمله بردند آنها بودند که مسلحانه به پادگان مهاباد حمله بردند، و اسلحه‌های سبک و سنگینش را دزدیدند از داخل پادگان مهاباد حتی يك گلوله به سمت آنها شلیک نشد، اما آنها افسران را کشتند، و هجده تانک را به سرقت بردند، و توپ‌های سنگین زیادی را نیز به همراه خویش بردند در جریان نرده می‌بینید بیش از ده‌هزار مسلح گردآورده‌اند و تظاهرات مسلحانه به راه انداخته‌اند و تمام اینها در غیاب ارتش بود اگر کسانی سوءنیت ندارند، در محیطی که ارتش و سپاهی وجود ندارد، چه دلیلی دارد که مسلح شوند و اسلحه خویش را علیه برادران دیگر به کار اندازند عده‌ای می‌گویند اینان علیه پاسداران حساسیت دارند و پیشنهاد می‌کنند که پاسداران کرد محلی شئون شهرها را بدست بگیرند، اما توجه شما را به مریوان جلب می‌کنم در مریوان فقط پاسدار محلی وجود داشت و هیچ پاسدار دیگری در آنجا حضور نداشت ولی آنها حتی نتوانستند وجود بیست و پنج پاسدار مؤمن کرد را هم تحمل کنند شهر را محاصره کردند و بیست و پنج پاسدار کرد را قتل‌عام نمودند تا مؤمنی به انقلاب اسلامی ایران در منطقه آنها باقی نماند شاید بدانید که در شهرهای مختلف کردستان مکاتب قرآن و انجمن‌های اسلامی وجود دارد که اینان غیرمسلح‌اند، و کار ایشان کار فکری و عقیدتی است، مکاتب قرآن کارشان فقط تفسیر قرآن است، اما اینان به تمام مکاتب قرآن و انجمن‌های اسلامی حمله بردند و سازمان‌های آنها را درهم شکستند و مراکز آنها را به آتش کشیدند، و احیاناً اگر کسی را در مرکز یافتند به خاک و خون کشاندند باز می‌بینید پاوه را نیز چنین کردند، در پاوه درست است که نفر پاسدار تهرانی حضور داشتند ولی نفر پاسدار کرد محلی از شهر پاوه حفاظت می‌کرد، هزاران نفر از این توطئه‌گران پاوه را محاصره کردند و می‌خواستند که آنها را قتل‌عام نمایند این سؤال مطرح می‌شود در آنجا که دولت و ارتش وجود نداشت و کسی جلوی تبلیغات ایدئولوژیکی آنها را نگرفته بود، پس چرا حمله کردند؟ چون نمی‌خواستند هیچ‌کس، چه کرد محلی و چه مسلمان غیرکرد، در این مناطق آزادانه عقیده خود را انتخاب کند و از انقلاب اسلامی ایران دفاع نماید و چون منطق و فلسفه و ایدئولوژی آنها در مقابل اسلام و انقلاب اسلامی بسیار بسیار ضعیف‌تر بود دست به

سلاح بردند زدند و کشتند و غارت کردند و بردند و در پایان فریاد برآوردند که ارتش طاغوتی ما را کشت، ما را قتل عام نمود، زهی بی‌انصافی

وقتی که در مقابل حمله برق‌آسای ما نتوانسته تاب مقاومت بیاورند، تقاضای مذاکره کردند و دولت پذیرفت ارتش دستور داد که سربازان دفاع تحرکی نداشته باشند، حتی به شهرها وارد نشوند، تا حسن نیت خویش را نشان دهد اما می‌بینید فوراً هنگامی که دولت چنین فرمانی را صادر می‌کند آنها در مدخل شهر بانه بیش از سی و پنج نفر از افسران و سربازان را به خاک و خون می‌کشند، هنگامی که سربازان به خود اجازه نمی‌دهند که به سوی مردم و به سوی شهر تیراندازی کنند، آنها بی‌رحمانه عده زیادی را قتل عام می‌نمایند همه‌روزه می‌بینید که در سنج و مریوان و سقز و بانه و بوکان و شهرهای دیگر عده‌ای را می‌گیرند، به زندان می‌اندازند، به محکمه می‌کشند و اعدام می‌کنند این است نمونه‌های تلخی که ایان از این مذاکرات سوء استفاده کرده‌اند و می‌خواهند که سیطره نظامی خود را بر مردم شهرها تحمیل کنند اما همانطور که گفتم برنامه دولت این است که سیطره اسلحه از شهرهای کردستان برافتد، باید مردم کرد قادر باشند که آزادانه عقاید خویش را بیان کنند، و هیچ‌کس امنیت و سلامت آنها را به خطر نیاندازد و به شما اطمینان می‌دهم آنجا که دولت و ارتش و سپاه اراده کند و تصمیم بگیرد هرکجا و در هر شهری نیروی آنها را در مدت بسیار کمی متلاشی خواهد کرد، و دوباره درس گذشته را که برای آنها عبرتی بود تکرار خواهد نمود اما انقلاب ما می‌خواهد رسالت اسلامی ما را ارائه دهد، و رسالت اسلامی ما با صلح، با محبت و با برادری آغشته است همانطور که می‌دانید انقلاب اسلامی ما بدون سلاح پیروز شد، بزرگترین ارتش‌های دنیا را بدون سلاح به زانو درآورد، رمز پیروزی انقلاب ما ایمان و فداکاری بود، به استقبال شهادت رفتن بود، و انقلاب ما می‌خواهد این رسالت مقدس را با همان اسلوب پیاده کند آنها هستند که جنگ و خونریزی را بر ما تحمیل می‌کنند، همانطور که گفتم اگر نیروهای انقلاب اراده کنند در هر لحظه قادر خواهند بود که نیروی دشمن را متلاشی کنند، اما هدف دولت و برنامه ارتش جنگ و خونریزی نیست، مگر آنکه جنگ را دشمنان و توطئه‌گران بر ما تحمیل کرده باشند ولی به شما و به همه ملت ایران تأکید می‌کنم که اگر تمامی ارضی ما و استقلال کشور مادر خطر افتد، تا آخرین قطره خون خویش می‌جنگیم و توطئه‌گران را یا نابود کرده و یا به خارج مرزها می‌رانیم، و به شما اطمینان می‌دهم که هر لحظه که زمان اقتضا کند چنین برنامه‌ای را پیاده خواهیم کرد، همچنانکه برای یکبار عملاً به همه دنیا و همه توطئه‌گران نشان دادیم که انقلاب اسلامی ما چنین قدرتی را دارد

نیایش

خدایا به شکرانه این پیروزی بزرگ {پیروزی انقلاب اسلامی} خوش دارم که هدیه ای تقدیم کنم، اما چیزی جز جان ندارم از بهترین جوانان، حیات و هستی خویش را تقدیم کردند، عده ای اموال خود را، عده ای کار و مصالح و منافع خود را من از شدت سرور می سوزم، می لرزم، شرمزده ام، و نمی دانم ترا چگونه شکر کنم می خواهم همه چیز خود را بدهم می خواهم خود را قربانی کنم، با کمال اخلاص آنچه دارم تقدیم می کنم مالی ندارم، ملکی ندارم، درویشم، بی چیزم، فقط قلبی سوزان دارم که آن را تقدیم کرده ام و جانم ناچیزتر از آن است که برای تقدیم آن بخواهم متنی بگذارم جانم که چیزی نیست

خدای من آمده ام، با همه وجودم با قلبم و روحم، آمده ام که خود را قربانی راه تو کنم، آمده ام تا همه حیات و هستی خود را به شکرانه این پیروزی بزرگ تقدیم تو کنم

من چیزی از تو نمی خواهم، من سرباز گمنامم، من درویشی سر و پا برهنه ام، و هنگامیکه چشم از جهان فرو می بندم می خواهم هیچ چیز نداشته باشم، می خواهم تلاشم فقط به خاطر خدا باشد، می خواهم از هر شائبه خودخواهی و خودبینی به دور باشم، می خواهم بسوزم تا راه را روشن کنم، می خواهم رسالت بزرگ اسلامی تحقق پذیرد، و این تحقق بزرگترین پاداشی است که مرا خوشحال می کند، راستی که چه پاداشی بزرگتر از پیروزی محمدی ص ، از گسترش عدل و عدالت، از سیطره انسانیت، از نفوذ حق و عدالت بر همه انسانها است خدایا به ما رحمت کردی و بزرگترین پیروزیها را نصیب ما نمودی ضعیف بودیم، منتشبت بودیم، از دشمن می ترسیدیم، در مقابل ابرقدرتها به خود می لرزیدیم، اما تو از خدای بزرگ، بزرگترین ارتشها را همچون برق در برابر آفتاب تموز آب کردی، بزرگترین طاغوتها را معجزه آسا بر زمین کشاندی، همه گره های لاینحل را باز کردی، همه مشکلات را ساده نمودی و حق را بر باطل پیروز کردی ای خدای بزرگ، برای آنکه انسانهای پاک را تشویق کنی و برای آنکه ایمان به غیب را عملاً نشان دهی، برای آنکه ارزش و قدرت روح را به همه جهانیان بنمایانی، معجزه ها کردی، و هر کجا که دشمن قدم گذاشت، باطلاق کردی تا پایشان به گل فرو رفت، و هر قدمی که بر برداشتیم با آنکه همه آنرا خطا می پنداشتند تو پیروزی نصیب ما کردی، تو همه مغزها و حسابها را از کار انداختی، و راهی مستقیم و سریع و روشن در برابر مردم ما باز کردی

خدایا ما را از گرداب خودخواهی و از گردباد مصلحت‌طلبی و از طوفان‌های هوی و هوس نجات ده و
به ما قدرت ایثار عطا کن و بگذار که لذت ایثار همه وجود ما را سیراب کند
پروردگارا، ما را به قدرت ایمان و فداکاری توانا گردان و آن چنان قلب و روح ما را تسخیر کن که فقط
به تو توکل کنیم و در برابر هیچ‌کس به خاک نیافتیم
پروردگارا قلب ما را از عشق بسوزان، لبریز کن تا سوزش گلوله را در کام ما شیرین گرداند
پروردگارا آن چنان ما را از دنیا و مافی‌ها بی‌نیاز کن که در قربانگاه عشق تو همچون ابراهیم
مشتاقانه حاضر شویم، تا اسماعیل وجود خود را در راه هدف مقدس قربانی کنیم
پروردگارا همراه با عشق سوزان به ما صبر و تدبیر ده تا ناملایمات طریق را با گشاده‌روی تحمل
کنیم، و عجله ما در راه شهادت باعث کدورت خاطری نگردد
پروردگارا آنچنان ما را جذب کن که جز تو به تو نیاندیشیم و جز تو را نخواهیم، و جز تو به سوی
کسی نرویم، و همه خودخواهی‌ها و خودبینی‌ها را در مذبحه بارگاه تو قربانی کنیم
پروردگارا تو بما عنایت کردی و پاسداری از این انقلاب مقدس را به عهده ما نهادی بما فرصت‌ده که
تا آخرین قطره خون خود از این انقلاب مقدس پاسداری کنیم
پروردگارا تو بر ملت رحمت کردی و چنین انقلاب مقدسی را بما ارزانی داشتی، تو ما را شایسته
پاسبانی این نعمت کن پروردگارا تو پرچم پرافتخار اسلام را به دست ما به اهتزاز درآوردی، ما را
هدایت کن که علی‌وار این رسالت مقدس را پیاده کنیم و حسین‌صفت در راهش جان‌بازی نمائیم
پروردگارا بما آگاهی‌ده تا فریب دغل‌بازان و منافقین و تفرقه‌اندازان را نخوریم و اخلاق اسلامی و
صوق و اخلاص انقلابی و وحدت مکتبی خود را حفظ کنیم
پروردگارا پرچم پرافتخار انقلاب اسلامی ایران را بر فرق جهان به اهتزاز درآور و محرومین و
مستضعفین دنیا را از زیر سیطره ظلم و ستم نجات بده
پروردگارا ظلم و ستم را به دست توانای جان‌بازان راه حق برانداز، و ظهور امام عصر عجل را نزدیک
گردان تا عدل و عدالت برای همیشه در جهان گسترده شود
پروردگارا کشور ما را از گرداب این توطئه‌ها نجات‌ده و دشمنان انقلاب ما را رسوا و نابود گردان
پروردگارا رهبر عالیقدر ایران را سلامت بدار و به او عمر طولانی و سلامتی کامل ارزانی‌دار
آمین
والسلام علیکم ورحمه‌ا وبرکاته

پاوه

علت آشوب كردستان

شروع توطئه

برنامه دشمن

سيطره احزاب چپ بر كردستان

هدفها

توطئه سنندج

توطئه نقده

تصفيه آزادمردان

غريبي آذربايجان

مريوان توطئه

پاوه انفجار بزرگ

پيش بينی فاجعه از طرف حزب

دموکرات

چگونه آغاز شد انفجار

توطئه شروع

پاوه خانه پاسداران

هلیکوپتر مصیبت بزرگ سقوط

روزهای مصیبت بار

سقوط سرنوشت انقلاب در خطر

انقلاب پاوه نقطه عطفی در

قدر شب هولناك شب

پاسگاه مقاومت

در پاهو خانه پاسدارن

فرمان تاریخی امام

ملت به پا می خیزد

انقلاب پاهو رستاخیز

انقلابی شروع حرکت

ملت شریف و قهرمان ایران

شب نور

آزاد سازی نوسود

ادامه پیروزی ها

نبرد نیایش در کشاکش

ادعاهای گزاف

تاکتیک جنگهای ما در کردستان

دشمن فرار

آزادی سردشت

ها بازگشت ارتش به پادگان

مجدد حرکت

فاشر تبلیغاتی و تهدید نظامیان

مبارز

خود سخنی با سربازان

قاضای مذاکرهت

مذاکره استمرار جنایت در حین

پاهو ر سالگرد رستاخیزد

در پاهو

پیرامون خودمختاری در کردستان

بارها در جلسات متعددی، چتر نفر صحبت از خودمختاری و تعیین سرنوشت توسط خودشان می‌کردند. به آنها گفتم که اگر این افراد به ایران و به اسلام و به انقلاب ما معتقد باشند، نه فقط کردستان را بلکه همه ایران را به آنها می‌سپریم. چرا که باید فقط روی کردستان تکیه کنند، آنها حق دارند و ما حاضریم که همه وطن را در اختیار آنها قرار دهیم، تا سرنوشت همه ملت را معین کنند، و در اداره امور همه نقاط شریک باشند. ولی اگر عده‌ای وابسته و وابسته به سیاست‌های خارجی، ضدانقلاب، ضداسلام، ضدایران بخواهند حتی یک‌ذره امتیاز بدست آورند بشدت مخالفت خواهیم کرد. موافقت و مخالفت ما براساس قومیت نیست بلکه براساس ایدئولوژی و اعتقاد افرادی است که شعاری را مطرح می‌کنند، مگر چریک‌فدایی‌خلق در تهران هنگامی که شعاری را مطرح می‌کند، به علت اینکه فارسی است شعار او را می‌پذیریم؟ حتی چریک‌فدایی‌خلق هم در تهران، که فارس است، شعاری را مطرح می‌کند ما نمی‌پذیریم و پذیرش و عدم پذیرش مربوط به کرد و ترک و فارس نیست، بلکه مربوط به اعتقاد آنها به انقلاب و رهبری و استقلال کشور و ایدئولوژی اسلامی است و چقدر منحرف و پرت‌اند کسانی که فکر می‌کنند مشکل ما در کردستان یا نقاط دیگر، مشکل قومی است عصر ما، عصر قومیت نیست، بلکه عصر ایدئولوژی است و خط مکتبی ما اساساً به همه قومیت‌ها به یک دیده نگاه می‌کند، فرقی بین کرد و فارس و ترک قائل نیست، اما مسئله ایدئولوژی بشدت مطرح است، کسی که ضداسلام و ضدانقلاب اسلامی است، و یا وابسته به کشورهای خارجی است به هیچ‌وجه نباید آزادی داشته باشد، و نباید به او اختیاری داد، زیرا او دشمن این ایدئولوژی و استقلال کشور است و هر نوع امتیازی برای او برخلاف مصلحت مردم و استقلال این آب و خاک است، چه فارس باشد، و چه کرد، چه ترک. امروز عده‌ای ضدانقلابی و ضداسلامی و ضدایران خود را تحت شعار قومیت و مظلومیت مخفی می‌کنند تا این شعارهای احساسی را با زیرکی تمام وسیله‌ای برای اجرای

برنامه‌های شوم و خطرناک خود نمایند، و مردم نباید فریب آنها را بخورند در چنین شرایطی، که مسئله مرگ و زندگی مطرح است، مسئله انقلاب و آزادی ایران در مقابل طاغوت‌ها و ابرقدرت‌ها اساسی است، عده‌ای دایه مهربان‌تر از مادر برای ملیت کرد و حقوق از دست‌رفته کرد و ستم‌های ملی که بر آنها رفته است داد سخن می‌دهند و توطئه می‌کنند و آتش برمی‌افروزند، بی‌رحمانه بر بدن مجروح انقلاب ایران دشنه می‌زنند، و از این بدن خسته و کوفته حقوق و امتیازات می‌خواهند این بدن خسته و مجروح هنوز بر پای خود قادر به ایستادن نیست، آنها می‌خواهند که نتیجه فقر و ستم ملی قرن‌های گذشته را فوراً جبران کنند می‌بینید که استعمار خارجی با چه ضربات مهلکی بر پیکر انقلاب اسلامی ما می‌تازد، در چنین هنگامی آنها هم دم از حقوق ملی و مسائلی می‌زنند که ایجاد شك و تردید در اصالت خواستشان می‌نماید انقلاب ایران، با جنگ همه طبقات، همه نیروها، کوچک و بزرگ، زن و مرد، بوجود آمده و پیروز شده است هم‌اکنون نیز ابرقدرت‌ها در مقابل انقلاب ایران به شدت موضع‌گیری کرده‌اند و همه مردم ما، کارگر، صاحب کار، دهقان، ملاک، سرباز و پاسدار، زن و مرد، همه به خاطر نجات خود از طاغوت‌ها مبارزه می‌کنند، حیات همه در خطر است، سرنوشت همه دستخوش گرداب‌هاست، و بکلی بی‌معنی است که کسی انقلاب را بگوید به بهانه‌های موهوم که طبقاتی محروم شده‌اند و امتیازاتی کسب نکرده‌اند تصور کنید چقدر جای تأسف است که تئوری‌های موهوم سبب شود گروهی بیاید و انقلاب ایران را تکفیر کند و رهبران آن را بگوید، همه افتخارات این انقلاب معجزه‌آسا را زیر پا بگذارد تصور کنید چقدر مسخره است که چریک‌های فدایی‌خلق از اصفهان و شیراز و مشهد می‌آیند و کردهای مسلمان محلی مریوان و پاوه را می‌کشند، آنگاه شعار می‌دهند که بر ملیت کرد ستم شده است، و کرد باید بجنبند و ستم فارس‌ها را... از ملت کرد کوتاه کند تصور کنید که چقدر مسخره است که کردهای مسلمان مریوان و پاوه حق حیات در کردستان ندارند و باید کشته شوند ولی چریک‌های فدایی‌خلق از مشهد و شیراز و اصفهان و تهران دارای سلطه و قدرت در کردستان تصور کنید که صدام‌حسین، دست‌نشانده امپریالیسم و صهیونیسم مورد اعتماد و محبت آنها قرار بگیرد، و امام‌خمینی، رهبر پاک و فداکار و بی‌نظیر تاریخ مورد اتهام و هجوم آنها قرار گیرد

تصور کنید اگر نظریات مجهول و پوچ سبب شود که گروهی بیاید و مشکلات کردستان را نتیجه جنگ طبقاتی بین فنودال‌ها و کشاورزها بداند و توطئه‌های امپریالیستی اسرائیل و عراق و ابرقدرت‌ها را ندیده بگیرد و سیل اسلحه و پولی را که از عراق به سوی کردستان جاری است نبیند، آنگاه با سرسختی اصرار داشته باشد که فلان و بهمان فنودال‌ها را مسلح کرده‌اند و جنگ

کردستان را بوجود آورده اند تصور کنید چقدر مسخره است، که چريك فدایي خلق که معتقد به اسلام و انقلاب نیست و امام خمینی را می‌گوید، بیاید و برای نظام اسلامی مصلحت‌اندیشی کند و راه راست نشان دهد و انتظار داشته باشد که ملت مسلمان ایران حرف‌های آنها را بپذیرند تصور کنید که مزدوران عراقی در کردستان آزادانه بروند و بیایند، اما يك ایرانی برای ورود به منطقه احتیاج به پاسپورت اجازه عبور داشته باشد ارتش و پاسدار ایرانی نتواند داخل بشود اما برای جاسوس‌های اسرائیل و عراق... آزاد باشد اگر برای قومیت و آزادی کردها می‌چنگید چرا کردها را تهدید می‌کنید چرا کردی را که با دولت اسلامی هم‌آهنگی می‌کند اعدام می‌کنید؟ اگر از پشتیبانی کرد برخوردار بودید که احتیاج به ترور و اعدام بی‌گناهان کرد نداشتید شما مجرمید شما جنایت‌کارید که با زور و ترور و اعدام می‌خواهید سیطره شیطنانی يك حزب دست‌نشانده را بر مردم کرد تحمیل کنید شما مردم را آزاد بگذارید تا فریاد مرگ بر اجنبی‌پرستان را از حلقوم کرد بشنویید شما سلطه اسلحه را بردارید تا ببینید که مردم مؤمن کرد چگونه با همه وجود خود از انقلاب اسلامی ایران دفاع خواهند کرد

بسم الله الرحمن الرحيم

ملتی انقلاب کرده است، زنجیرهای ساله را از دست و پای خود پاره نموده است، علیه بزرگترین ابرقدرت‌ها قیام کرده و در کشاکش سخت‌ترین نبردهای تاریخ با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند

این انقلاب بزرگ و تاریخی را ابرمردی رهبری می‌نماید که در تاریخ بی‌نظیر است، ایمان و پاکی و تقوی و فداکاری و پایداری او را نظیری نیست، و اگر همه رهبران انقلابی دنیا را سرهم بگذارند از يك موی رهبر عالیقدر انقلاب ما کمتر است این انقلاب صورت گرفته است که ریشه‌های استثمار و استبداد و استعمار را بسوزاند، عدالت اجتماعی را تأمین کند، فقر و جهل و ظلم و فساد را از بین ببرد، ستم‌ها و محرومیت‌ها و ناراحتی‌ها و بی‌عدالتی‌ها را که قرن‌ها بر این کشور سیطره داشته است نابود کند

ما انقلاب کردیم تا بعد از قرن‌ها دلّت و خواری استنقلاب واقعی خود را بدست آوریم کشور عزیز ما

ایران زیر سیطره اجانب قرار داشت، امریکا و اسرائیل سرنوشت مردم ما را بدست داشتند يك عده از زالوهای اجتماع خون مردم محروم و مستضعف ما را مي مكيدند آزادگان و احرار در زندانها و سیاهچالها شکنجه مي شدند و شریفترین آنها به چوبه دار آویخته مي شدند، اشرار و بی مایگان حکومت مي کردند، زور و دیکتاتوری همه نفسها را خفه کرده بود، همه قلمها را شکسته بود، همه ساقها را قلم کرده بود

ثروتها را به یغما مي بردند، منابع ما را غارت مي کردند، فرهنگ ملی ما را، اخلاق ما را، دین ما را مي کوبیدند تا معیارها و اخلاق فاسد و فرهنگ استعماری را جایگزین کنند

مي خواستند ملتی برده و اسیر بوجود آورند که حتی نفس کشیدنش تحت اراده استعمارگران باشد، آنچنان اقتصاد ما را به سقوط کشانده بودند، زراعت ما را نابود و صنعت ما را تباہ کرده بودند که این ملت بدون پول نفت يك روز هم نتواند دوام بیاورد

ارتش چماقی در دست دیکتاتوری بود که بخاطر حفظ مصالح استعمارگران ملت ما را بکوبد نفسها را خفه کند

اما ملت ما به رهبری مرجع عالیقدر حضرت امام خمینی قیام کرد، سالها مبارزه کرد، دهها هزار کشته داد، تا بالاخره طاغوت را به زیر کشید، نظام دیکتاتوری را واژگون کرد، دست قدرت های خارجی را قطع نمود، مجرمین را به محاکمه کشید، و قاتلین را مجازات کرد، اشرار را براند، زندانیان را آزاد کرد، و سرنوشت ملت ایران را پس از قرن ها بدست مردم داد، آنچنان آزادی برقرار کرد که در هیچ کشوری و هیچ زمانی نظیرش دیده نشده بود

اما استعمارگران به هیچ وجه حاضر نبودند که از این کشور زرخیز بگذرند، ابرقدرت ها نمی توانستند که آزادی و استقلال ایران را تحمل کنند، آزادی ایران همچون نسیم جان بخشی به کشورهای مجاور که در بند دیکتاتوری بسر مي بردند گسترش مي یافت و مردم محروم و در بند این کشورها بخاطر کسب آزادی و استقلال خود قیام مي کردند و منافع استعمارگران به خطر مي افتند، ابرقدرت ها دست به توطئه زده و عوامل داخلی خود را از چپی و راستی، ساواک و صهونیستی بکار گرفتند

توطئه شروع شد، گنبد قابوس و کردستان و خوزستان را به آتش کشیدند، سنندج، مهاباد و نغده را میدان تاخت و تاز خویش ساختند

احزاب چپی از فقر و محرومیت مردم کرد سوء استفاده کرده آنها را تحریک کردند و به نفع استعمار و علیه انقلاب ایران دست به توطئه زدند با شعارهای دلچسب، خیال بافی های گزاف، نویدهای ایده آلی وعده های دروغ دست بکار شدند تا مردم ساده و جاهل را تحریک کنند و علیه حکومت

اسلامی ایران به جنگ بکشاند

چه تهمت‌ها، چه دروغ‌ها، چه شعبده‌بازی‌ها، چه جنایت‌ها و چه خیانت‌ها که از این بی‌وطنان

بی‌دین علیه ایران و اسلام بوقوع پیوست

این نوکران اجنبی، این وطن‌فروشان بی‌مایه، این جانان کافر و بی‌دین با پول و اسلحه

استعمارگران خارجی، و به دستگیری صهیونیست‌ها علناً علیه انقلاب قدس ایران قیام کردند، علناً

رهبر انقلاب ایران را زیر طوفان تهمت و ناسزا گرفتند، با کمال بی‌وجدانی و بی‌شرمی مردم

بی‌گناه را بخاک و خون کشیدند و روی سیاست‌بازان کثیف معاویه‌ای را سفید کردند

اینان سنگ ستم‌دیدگان و محرومین را به سینه می‌زنند، علیه استثمار و استعمار شعار می‌دهند

و خواستار جنگ مسلحانه برای انقلاب می‌شوند

ولی بجای آنکه با رهبر هم‌آهنگ شوند و قوای خود را علیه ابرقدرت‌ها بکار اندازند، و از انقلاب

معجزه‌آسای خود دفاع کنند، در عوض تیشه برداشته ریشه انقلاب خود را می‌زنند، اسلحه بدست

می‌گیرند با ارتش و ژاندارمری و شهربانی که بازوی اجرایی دولت هستند، می‌جنگند و همان

کاری را می‌کنند که امپریالیسم برای پیاده کردن آن باید میلیاردها دلار پول خرج کند و جوانان خود

را به کشتن بدهد، ولی این مدعیان به اصطلاح رهبری همه هم و غم خود را برای کوبیدن دولت و

انقلاب، در جهت پیروزی امپریالیسم و صهیونیسم بکار می‌برند و انتقاد می‌کنند که دولت برای آنها

کار نکرده است

از روز پیروزی انقلاب، اسلحه بدست گرفته و علیه دولت جنگیده‌اند، و همه وقت و انرژی دولت را

صرف درگیری‌ها و کشمکش‌ها کرده‌اند و امنیت را بهم زده‌اند که امکانی برای نوسازی‌های

عمرانی و اقتصادی نماند، آنگاه شعار می‌دهند که دولت هیچ‌کاری نکرده است آخر دولت چگونه

می‌توانست از روز اول پیروزی انقلاب معجزه خلق کند و مشکلات اجتماعی و اقتصادی را در یک

شب حل نماید؟ در حالتی که امنیت نیست و همه جوانان جهاد سازندگی و عمرانی گرفتار احزاب

شده‌اند، شکنجه دیده‌اند، یا کشته شده‌اند، چگونه حزب دمکرات انتظار کارهای عمرانی را داشته

است؟

چه انتظار بی‌جایی چه بهانه بی‌شرمانه‌ای چه دستاویز مسخره‌ای

اکنون که به یمن پیروزی انقلاب به رهبری امام آزادی بوجود آمده، آنچنان آزادی که حتی

توطئه‌گران فرصت‌طلب و سوءاستفاده‌جو مسلحانه علیه دولت قیام کنند، اکنون که به برکت وجود

امام طاغوت سرنگون شده، اکنون که به پاس فداکاری بی‌نظیر و ایمان کوه‌آسای ملت ابرقدرت‌ها

به زانو درآمده‌اند، چگونه عده‌ای بخود اجازه می‌دهند که انقلاب را به بهانه عدم انجام کارهای

عمرانی و حقوق محلی درهم بگویند؟ عده‌ای انقلابی‌نما که خودشان علیه رژیم شاه همکاری می‌کردند و انقلابی را می‌گویند که به برکت امام خمینی و به فداکاری بی‌نظیر ملت و سکوت و سکون این آقایان حاصل شده است اگر امام خمینی و انقلاب اسلامی خدای ناکرده سقوط کنند، اینها و هیچ‌کس دیگر قادر به مبارزه علیه استعمار نخواهند بود و تا سال‌های سال ایران به قبرستانی تبدیل خواهد شد که در هیچ دوره‌ای نظیر نداشته است

به این آقایان بگویند به چه حقی به خود اجازه می‌دهند که به بزرگترین معجزه تاریخ ضربه بزنند؟ حقوق ملتی فداکار را که هفتاد هزار شهید داده است نابود کنید؟

شما شهرها را به خرابی می‌کشید، مردم بی‌گناه را به کشتن می‌دهید هنگامی که اسلحه بدست می‌گیرید و شهرها را به آتش می‌کشید بی‌گناهان را می‌کشید، جلوی ارتش را سد می‌کنید، سربازان را می‌کشید، و فریاد مبارزه مسلحانه می‌زنید، باید انتظار داشته باشید که دولت مرکزی نیز روزی برای جلوگیری از تاخت و تاز مسلحین وارد معرکه شود آنجا خانه‌ها خراب خواهد شد، مردمی بی‌پناه کشته خواهند شد، و شما می‌روید تا کردستان را به خاک و خون بکشید و این جنایتی بزرگ است و بزرگترین ضرر آن به مردم کردستان خواهد رسید و مسئولیت این جنایت به عهده شماست

آیا ملت چه می‌گوید؟ آیا ملت ایران موافق اعمال خرابکارانه شماست؟ آیا اکثریت مردم به جنگ‌های مسلحانه شما و خونریزی‌ها و قتل و غارت‌های شما و جنایت‌ها و عدم امنیت راضی هستند؟ چگونه علیه اراده ملتی بزرگ دست به جنگ مسلحانه می‌زنید؟

می‌گویند مردم کردستان همه با شما موافقند در این صورت چه احتیاجی به جنگ مسلحانه داشتید؟ اگر اکثریت مردم با شما همراه بودند، دلیلی وجود نداشت که افکار سیاسی خود را به قدرت سلاح بر مردم تحمیل کنید

همیشه و در همه جای دنیا، هنگامی که قدرتی در برابر انقلابیون سد راه می‌شود انقلابیون اجباراً دست به اسلحه می‌برند، در حالیکه حزب دمکرات و همکارانشان هنگامی دست به اسلحه بردند که اصلاً دولتی و ارتشی و قدرتی در برابر آنها وجود نداشت، لذا دست به اسلحه بردند تا مردم منطقه را به زور اسلحه زیر سلطه خویش بگیرند و مخالفین خود را نابود کنند

چه جنایتکارند کسانی که از همان روزهای اول پیروزی انقلاب بدون حضور دولت و بدون وجود ارتش، دست به اسلحه بردند و علیه دولت، انقلاب و مردم جنگیدند، خونریزی به راه انداختند، بی‌گناهان را کشتند، راه‌ها را مسلحانه بستند، مخالفین خود را تصفیه کردند و با قدرت اسلحه سلطه سیاسی و نظامی و حزبی خود را بر مردم تحمیل کردند

چه جنایت‌کارند کسانی که، پس از سال که برای اولین بار طاغوت سرنگون شده و ایران
ابرقدرت‌ها را به زانو درآورده، همچنان برنامه امپریالیسم را علیه افلاب و به نفع دشمن پیاده
می‌کنند

چقدر بی‌شرمی است که توطئه‌گران و آدم‌کشان و جنایتکاران در روز روشن و به صراحت اسلحه
بدست گرفتند و به مدت شش ماه بی‌گناهان را کشتند و از ضعف دولت و ارتش سوءاستفاده
کردند و سلطه نظامی و سیاسی و ایدئولوژیک خود را بر مردم تحمیل کردند، ولی با تمام این
جنایت‌ها و خیانت‌ها می‌آیند و ارتش را و دولت اسلامی را متهم به قتل عام و تخریب می‌کنند و
بی‌مهابا زهمت فاشیست و تروریست نوکر امپریالیسم می‌زنند

کسانی که جز تخریب، جز قتل، جز کارشکنی، جز جنایت، جز توطئه علیه اسلام و انقلاب کاری
نکرده‌اند و نمی‌کنند به کسانی زهمت می‌زنند که همه وجودشان و حتی مرگ و حیاتشان وقف
راه انقلاب و ملت ایران است

چقدر بی‌شرمی می‌خواهد که بازیچه‌های امپریالیسم و صهیونیسم می‌آیند و دولت اسلامی و
رهبر انقلاب و انقلابیون راستین را نوکر امپریالیسم و صهیونیسم می‌خوانند

چه احمقی است که نفهمد و نداند و نبیند که نظام فعلی انقلابی ایران، با تمام نقص‌ها و
مشکلاتش، بزرگترین دشمن سرسخت امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم است و مبارزه سختی را
علیه آنها شروع کرده است که پدر جد این رفقا هم در مخشان نمی‌گنجید، و تا دنیا دنیاست
کسی به این شدت و به این عمق با آمریکا و صهیونیسم مبارزه نخواهد کرد

آنگاه جوجه‌های چشم و گوش بسته امپریالیسم روسیه و چین، که خود با آمریکا و صهیونیسم زد و
بند می‌کنند، چقدر پرت‌اند که ماهیت خود را که نوکری امپریالیسم است فراموش می‌کنند و به
کسانی زهمت می‌زنند که جز در مقابل خدای لایزال در برابر هیچ قدرتی، چه شرقی و چه غربی
چه طاغوتی تسلیم نخواهند شد

به کسانی زهمت می‌زنند که وجودشان، مرگ و حیاتشان وقف راه انقلاب و ملت است
چقدر بی‌انصافی است، کسانی که در زمان طاغوت سکوت کرده بودند، یکبار در زمان انقلاب قد
علم می‌کنند و شعارهای تند اخلاقی می‌دهند به قیمت خون مردم و با فدا کردن سرنوشت ملت
و انقلاب می‌خواهند آرزوهای موهوم خود را پیاده کنند

اینان ننگ تاریخ و لغت ابدی ملت را برای خود تثبیت می‌کنند

در زمان نهضت ملی شدن صنعت نفت چنین کردند، از چپ و راست نهضت را کوبیدند و طاغوت
رابازگرداندند دوباره می‌خواهند تاریخ تکرار شود، اما با مقیاسی وسیع‌تر و عظیم‌تر که به وسعت

جهان و به درازای ابدیت است

ایکاش که عبرت دردانگیز تاریخ همه ما را هوشیار و فریب‌خوردگان را بیدار کند
اینان تحت شعارهای تند عده‌ای جاهل را فریب می‌دهند و در راه منافع صهیونیسم و استعمار آنها
را بکار می‌اندازد، جوانانی پرشور و فعال که قلبشان بخاطر آزادی و استقلال میهن می‌تپد، در
حالی که مناسبانه در راه ضدانقلاب قدم برمی‌دارند

عجبا ملتی که بعد از سال، خود را از لجنزار اسارت و ذلت آزاد کرده است و به قدرت ایمان و
شهادت، طاغوت رابه زیر کشیده و می‌خواهد قد خمیده خود را راست کند، ملتی کوچک که با
قدرت ایمان و شهادت علیه طاغوت‌ها و ابرقدرت‌ها قیام کرده است و در گردابی از خون، کشتی
سرنوشت او در تلاطم معرکه‌های سخت با مرگ و زندگی دست و پنجه نرم می‌کند، از بدن نحیف
و مجروح این ملت خون می‌جکد، ضربات سخت و مهلك دشمنان هر لحظه بر بدن او فرود می‌آید،
کوهی از مسئولیت بر پشت این مجروح سنگینی می‌کند و این مجروح باید از سنگلاخی سخت
بگذرد که در پرتگاه‌های مهلك در خطر سقوط قرار گرفته است، آنگاه عده‌ای از مفسدین و منافقین
و ضدانقلابی‌های وابسته، بر جراحات این بدن ضعیف نمک می‌پاشند، و با شعارهای ظاهراً انقلابی
باعث تضعیف روحیه این ملت می‌شوند و با تمام قوا می‌کوشند که این بدن خسته و مجروح را به
سقوط بکشانند تا لاشخورهای استعمار او را تکه‌تکه کنند

کسانی که در مقابل ملت سنگر می‌بندند، علیه ملت و اراده ملت می‌جنگند و با این همه خود
طرفدار خلق‌ها می‌نامند چه بی‌شرمی چه دروغ بزرگی
آیا نوکران استعمار، مخالفین انقلاب اسلامی ایران انتظار دارند که ما حکومت محلی و یا خود
مختاری بوجود آوریم و بدست آنها بدهیم؟

شما مسلمانی بیاورید که به انقلاب اسلامی و استقلال ایران معتقد باشد، ما همه ایران را
بدست او می‌سپریم، از کردستان باشد یا خوزستان یا بلوچستان یا هر نقطه از اقصی نقاط ایران
اما اگر يك دشمن انقلاب، غربی یا شرقی، بیاید و حتی يك ذره امتیاز بخواهد، ما به هیچ‌وجه
موافقت نخواهیم کرد

مسئله ما مسئله ایدئولوژی است، نه قومیت و نه ملیت هر کس که دارای ایدئولوژی اسلامی
انقلابی باشد، کرد باشد یا ترك یا بلوچ یا عرب زبان همه برابرند و برادرند و با هم متحد و همکاری
می‌کنند اما حتی در کردستان، می‌بینید که يك کرد کمونیست با يك کرد مسلمان در کنار هم
جمع نمی‌آیند و علیه هم می‌جنگند، درحالی که يك چريك فدایی تهرانی با يك چريك فدایی کرد
متحدند و آنجا مسئله ملیت یا قومیت بین آنها مطرح نیست، بنابراین چرا بین مسلمان‌های کرد و

تهرانی اختلاف مطرح باشد؟

ما آمده‌ایم که مسلمان‌های دنیا را متحد کنیم، محرومین و مستضعفین دنیا را کمک کنیم و چگونه ممکن است که مسلمان‌های نقاط مختلف کشور خودمان متحد نشوند؟ چگونه ممکن است که محرومین و مستضعفین کشور خودمان را کمک نکنیم؟ باید بکنیم و قادریم و خواهیم کرد، انشاءالله می‌گویند فنودال‌ها را مسلح کرده‌ایم

اولاً حزب دمکرات است که سنارآمدی کثیف و قاچاقچی دزد و فاسد را کمک می‌کند، او را جزء کادر رهبری حزب قرار می‌دهد و بدست او دهقانان پی‌گناه را می‌کشد، با قدرت اسلحه و ترور مال مردم را می‌خورد و می‌دزدد، و حتی خود قاسملو و خانواده‌اش بزرگترین فنودال‌های منطقه‌اند که خون مردم را به شیشه می‌کنند

ثانیاً خونریزی در کردستان نتیجه کشمکش بین فلاح و ملاک نیست عده‌ای از احزاب می‌خواهند حقایق را منحرف کنند و مردم را با بعضی از نتایج جانبی مشغول بدارند تا مردم از حقایق اصولی و اساسی غافل بمانند

اختلافات کردستان نتیجه توطئه‌های امپریالیستی است که ابرقدرت‌ها با همه نیروی خود برای کوبیدن رژیم اسلامی دست بکار شده‌اند و اگر کسی بخواهد این توطئه‌ها را نتیجه جنگ‌های طبقاتی داخلی، بین ملاک و فلاح بداند مسلماً حقایق اساسی و خطرناکی را نادیده گرفته و منحرف شده و خود را گول زده است

این رفقا می‌آیند مدلی طبقاتی از جامعه می‌سازند و بعد می‌خواهند همه مشکلات و رویدادهای اجتماعی را در همان قالب طبقاتی مارکسیستی پیاده کنند، و چه بسا واقعیت‌های عینی جامعه که در قالب طبقاتی آنها نمی‌گنجد ولی آنها واقعیت‌ها را انکار می‌کنند و ساخته‌های موهوم ذهنی خود را جایگزین آن می‌نمایند تا با نظریات طبقاتی آنها مطابقت کند و چقدر جای تأسف است که این روش غیرعلمی و غیرمنطقی سبب می‌شود که حتی بزرگترین واقعیت تاریخ یعنی انقلاب ایران را مورد شك و تردید قرار دهند و به نتایجی برسند که کاملاً مسخره است

انقلابی در ایران به رهبری امام‌خمینی صورت گرفته است که همه ملت با جان و دل او را می‌پذیرند و دنیا هم او را بزرگترین انقلابی می‌شمرد این انقلاب مقدس طاغوت را به زیر کشید، نظام را واژگون کرد، ابرقدرت‌ها را به زانو کشید، ملت ما را از يك نظام استبدادی ساله آزاد کرد

اما استعمارگران و ابرقدرت‌ها و دست‌نشانندگان آنها که منافع و مصالح خود را از دست داده‌اند، از همان شروع انقلاب به شدت فعالیت می‌کنند و دنیا را با تبلیغات شوم خود علیه انقلاب ما پر

کرده‌اند و با پول و اسلحه در همه نقاط کشور آشوب به پا می‌کنند و در داخل ارتش و ادارات و مؤسسات توطئه می‌آفرینند تا انقلاب اسلامی ما را به خیال باطل خود به سقوط بکشانند

ما باید راه خود را روشن کنیم، خط خود را معین کنیم، موضع خود را صریحاً بیان کنیم که خط رهبر انقلابی ایران را می‌پیمائیم یا در خط استعمارگران و ابرقدرت‌ها و دست‌نشانندگان آنها هستیم اگر با انقلاب به جنگ و ستیز برخیزیم بدون شك به دشمنان انقلاب، به ابرقدرت‌ها پیوسته‌ایم و در جهت نابودی این انقلاب مقدس گام نهاده‌ایم، هرچند که شعارهای انقلابی بدهیم و خود را نیز انقلابی بدانیم آیا این مدعیان انقلاب خود قادرند که به شعارهای ظاهر فریب خود جامه عمل بپوشانند درحالی‌که پس از ده‌ها سال هنوز اربابانشان نتوانسته‌اند باید دید آیا چریک‌های فدایی خلق یا هم‌ردیف‌های آنها به آنچه می‌گویند و شعار می‌دهند راضی هستند؟

آیا آمده‌اند که زمین را بین کشاورزان تقسیم کنند؟ آمده‌اند که عدالت اجتماعی را پیاده نمایند؟ آمده‌اند که آزادی و دموکراسی به مردم بدهند؟ و اصولاً قادرند که چنین کنند؟

ابداً چنین نیست... اگر دولت همه این کارها را حتی بیشتر انجام دهد بازهم آنها مخالفت خواهند کرد، فقط راه دیگری و شعار دیگری انتخاب می‌کنند

این شعارها برای آنها وسیله است که دولت را بکوبند و اگر خودشان به قدرت برسند به هیچ‌وجه این شعارها را پیاده نخواهند کرد... آنها با نظام اسلامی اختلاف اساسی و ایدئولوژیک دارند و معتقدند که باید نظام فعلی سرنگون شود و نظامی کمونیستی جایگزین گردد و تا آن روز به مخالفت و دشمنی خود علیه نظام ادامه خواهد داد و از هیچ توطئه‌ای فروگذار نخواهند کرد چقدر ساده و جاهلند کسانی که مجذوب این شعارهای پر زرق و برق می‌شوند و ماهیت آنها را و هدف نهایی و اساسی آنها را ندیده می‌گیرند، آنها می‌خواهند که ماهیت ضدانقلابی و ضداسلامی خود را زیر سایه شعارهای زیبا و تند بپوشانند و مردم را از راه این شعارها بفریبند و به خود جذب کنند، ولی ما باید ماهیت آنها را برای مردم فاش کنیم تا حقیقت تلخ وجودی آنها را حس و لمس کنند و تحت تأثیر شعارهای زودگذر واقع نشوند

کردستان، نامی آشنا که حوادث بی‌شماری را در طول تاریخ به دوش می‌کشد، و زخمی که بدست اربابان خارجی و نوکران پلیشان مدت‌هاست بر پیکره اجتماع ما نشسته است و هر آنگاه که استعمارگران نیازی به ایجاد فشار احساس کنند این اهرم فشار را به حرکت آورده تا به نیات پلید خود دست یابند

همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری ابرمردی سازش‌ناپذیر از تبار حسینیان و بایمردی ملتی زجر کشیده و به پا خاسته ماجراهای کردستان آغاز شد، تا انقلاب نوپای ما را درگیر مسائل و جنگ‌های داخلی نموده و از درون متلاشی سازند. حوادث کردستان بر این پایه، یکی از بزرگترین مشکلات داخلی ما بود و بعضی اوقات آن چنان حسّاس که سرنوشت انقلاب اسلامی ما به آن بستگی داشت و بدون شك «قضیه پاره» حادثه‌ای بس مهم در تاریخ این تحولات و شهید دکتر مصطفی چمران قهرمان این حادثه، مقامی والا در زنجیر شخصیت‌های بارز تاریخ اسلامی و رهروان پاک حسینی است

حادثه پاره اهمیت خاصی را داراست که مهمترین آن فرمان تاریخی امام و یأس دشمنان از سقوط انقلاب اسلامی در آن زمان است و این حادثه تاکنون کمتر مورد تجزیه و تحلیل دقیق واقع شده است و شاید علت آن باشد که شاهدان عینی و آگاهان بصیر، با بشهادت رسیده‌اند و یا شدیداً گرفتار مقابله و دست و پنجه نرم کردن با دیگر حوادثی بوده‌اند که باز توسط استعمارگران بوجود آمده است. همچنانکه خود شهید دکتر چمران عموماً فرصتی نمی‌یافت تا بتواند این وقایع را گویاتر از هر کس دیگری به رشته تحریر درآورد و بخصوص پاسخی به آن همه هجوم‌ها، تهمت‌ها و دروغ‌های بی‌شرمانه مغرضین و دشمنان انقلاب اسلامی باشد

ولی شهید دکتر چمران تصمیم گرفته بود که این وقایع را تاریخ‌گونه بنگارد و براساس این تصمیم مدارک و نوشته‌های خود را جمع‌آوری و بخشی از حوادث پاره را از ابتدای ماجرای کردستان به نگارش آورد ولی جنگ تحمیلی عراق و شهادتش، فرصت پایان بخشیدن آن را نداد و همچنان نیمه‌تمام باقی ماند

گرچه هم‌اکنون چهره واقعی ضدانقلابیون و همه کسانی که به اینارگری‌ها و فداکاری‌ها و جانبازی‌ها و قهرمانی‌های این عارف و عالم رزمنده شهادت طلب می‌تاختند شناخته شده است و امت مسلمان ما بخوبی آنان را، و شاید نه کاملاً خوب شهید دکتر چمران را شناخته‌اند، ولی آنچه میزان این اتهامات مغرضان دروغ‌پرداز بالا بوده و آنقدر آن شهید بزرگوار تشنه خدمت و ایثار و بی‌توجه به سمپاشی‌های دشمنان، مظلوم، که انتشار همان مقدار نوشته‌های نیمه‌تمام هم ضرورت خاصی را پیدا می‌کند، تا همه رزمندگان و تشنگان حق و حقیقت جرعه‌ای از این واقعیت‌ها

بیاشامند و اندکی مسائل و توطئه‌ها را دریابند و خود را برای مبارزه آگاهانه‌تر بر علیه این مستکبران و مزدوران دون هم‌تشان آماده سازند و برادران کرد مؤمن ما نیز به عمق خواسته‌ها و خیانت‌ها و جنایت‌های دشمنان انقلاب اسلامی ما واقف‌تر گردند

این کتاب از سه‌گونه دست‌نوشته و سخنرانی تشکیل یافته است، قسمت اعظم و مهم آن همان دست‌نوشته اصلی پیرامون حوادث پاوه است که خود او به رشته تحریر درآورده ولی مناسفانه فرصت اتمام آن را نیافته است و در اواسط آخرین صفحه دست‌نوشته، نیمه‌تمام باقی مانده است {ابتدا سرفصل «شروع حرکت انقلابی» صفحه } این فصل را خود آن شهید «پاوه، فرمان تاریخی امام و سرآغاز نجات کردستان» نام‌گذاری نموده و حتی مطالعه‌ای مقدماتی برای پشت جلد آن نیز نموده که در ابتدای کتاب گراور شده است در این فصل تحلیلی جالب از آغاز حوادث کردستان براساس طرز تفکر مادی‌گرایانه استعمارگران و حرکت و فرمان انقلابی امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی در جهت خنثی‌سازی آن ارائه داده شده است و بخصوص تأکید او به اهمیت فرمان تاریخی امام مسئله‌ای اساسی است

نوع دوم، قسمت‌هایی است که از سخنرانی‌های شهید دکتر چمران در زمان‌ها و مکان‌های مختلف پیرامون مسئله کردستان استخراج شده و ارتباط تاریخی خود را بر حسب اتفاق هر حادثه حفظ می‌کند و عموماً در ابتدا یا پایان هر سرفصل به تاریخ ایراد آن سخنرانی در پاورقی اشاره شده است

نوع سوم، مطالبی است که از دست‌نوشته‌های پراکنده و گوناگون آن شهید در طی این مدت در ارتباط با مسئله کردستان استفاده شده و قسمت عمده پیش‌گفتار و چند سرفصل از متن کتاب از این ردیف است که آن هم عموماً تذکر داده شده است

همانگونه که در کتاب «لبنان» اشاره شده است چون قسمت عمده این مجموعه نیز بعنوان کتاب و برای چاپ و انتشار نگارش نیافته، ممکن است در انسجام و ارتباط و کتابت نقائصی یافت شود که مطمئناً بخاطر ضعف گردآورنده و تقیّد به حفظ امانت و مشکل بودن این جمع‌آوری و حفظ ارتباط می‌باشد و نه نارسائی در بیان یا قلم شهید دکتر چمران که اگر فرصت می‌یافت و خود این مجموعه گردآوری شده را می‌نگاشت مسلماً اثری نفیس و ارزنده‌تر می‌بود

به دلیل آنکه مطالب گردآوری شده است و از ابتدا منسجم و مرتب نبوده است، گاهی اوقات در متن کتاب نیاز به شرحی بوده که اگر در پاورقی می‌آمد باعث از هم گسستن رشته کلام می‌شد، بنابراین داخل {کروشه} و با حروف ریز نوشته شده و این توضیحات نیز از گردآورنده است

به امید آنکه این پنجمین اثری که از شهید دکتر چمران توسط «بنیاد شهید چمران» انتشار می‌یابد

قدمی کوچک در ارائه حقایق نه چندان آشکار از وقایع پاره و کردستان و خدمتی به انقلاب
اسلامی در بیداری و آگاه‌سازی امت مسلمان، رزمندگان شجاع و برادران کُردمان باشد و به
خشنودی امام مهدی، حضرت حجه‌ابن‌الحسن‌العسکری ع ج و نائب او امام خمینی رهبر بزرگوار
مستضعفین و شادی روح آن شهید گرانقدر بیانجامد

مهدی چمران